

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۲۱ دسمبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۲۲۷

رباعیات

- ۱۱ -

سلطان ز غلام خود ببیند چو هنر رسم است، که لطف را کند افزونتر

دانست، که خاطر مبارک باشد آن حکم، که بنده کرده در 'باب چپر

ز اسباب جهان، بخت مساعد بهتر وز امزجه^۱ طبع رطب آبارد بهتر

کرده ست مرا عطا عطارد حکمت این نوع عطارد^۲ عطارد^۳ بهتر

ای داغ تو بر جبین هر بنده و حر وز لفظ گهر بار تو، گیتی پرر

گر کیسه مداح زر گشت تهی غم نیست چو شد دفترش از مدح تو پر

^۱ پاورقی "اب"

^۲ "امزجه" (بر وزن "امکنه و ازمه و ابنیه") کلمه عربی و جمع "مزاج" و در معنای "مزاجها"

^۳ "بارد": (بر وزن "وارد") کلمه عربی و اسم فاعل از مصدر "برودت" و در معنای "سرد"

^۴ "عطارد" (بر وزن "مساعد") کلمه عربی ست و در معنای "مشتري"، که ستاره ای مشهور است. در افغانستان به فتح اول و ضم سوم تلفظ کنند، که غلط است!!!

آمد رمضان و خلق را شام و سحر جز فکر خورش[°] نیست خیالی در سر
وز خوردنی آنچه هست آماده مرا اول غم نان است و دویم خون جگر

[°] "خورش" درینجا در معنای "خوردن" و "خوراک" استعمال شده است.